



قرآن شناسی و قرآن شناسان: مروری بر زندگی و روش تفسیری آیت الله ملکى میانجی

پدیدآورده (ها) : خدایاری، علی نقی

علوم قرآن و حدیث :: گلستان قرآن :: آبان 1381 - شماره 127

از 43 تا 49

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/61445>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 04/12/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

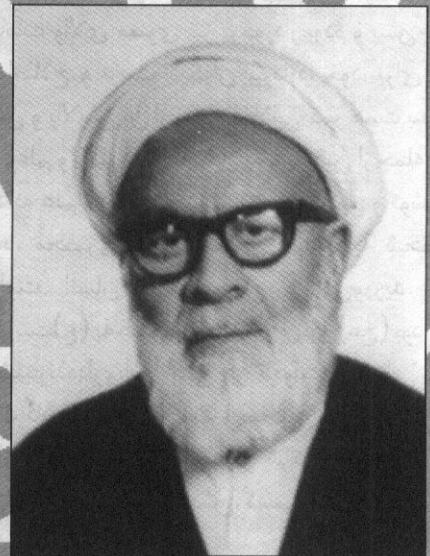


پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

مروری بر زندگی و روش تفسیری آیت الله ملکی میانجی "قدس سره"

O علی نقی خدایاری



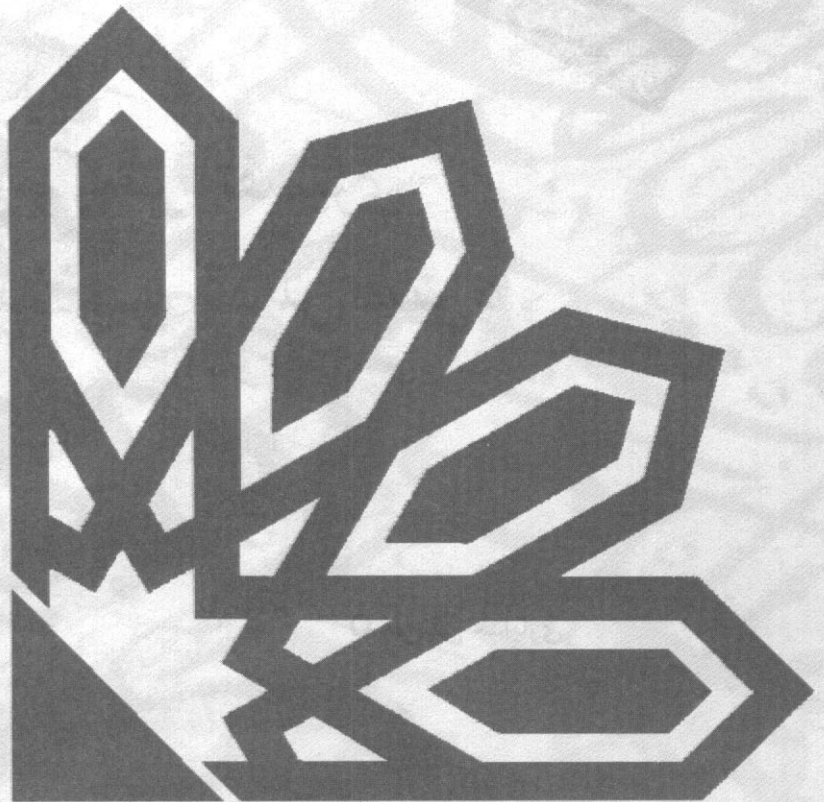
و وارسته‌ای چون مرحوم میرزا مهدی اصفهانی و شیخ مجتبی قزوینی از رونق و نشاط علمی خاصی برخوردار بود.

باری مرحوم ملکی سطوح عالی را نزد مرحوم شیخ هاشم قزوینی (به سال ۱۳۸۰ ه.ق) و دروس فلسفه انتقادی و مباحث اعتقادی را در محضر شیخ مجتبی قزوینی (به سال ۱۳۸۶ ه.ق) فرا گرفت. بخشی از علم هیئت را در درس آیت الله شیخ حسنعلی اصفهانی نخودکی (به سال ۱۳۶۱ ه.ق) آموخت. آن گاه در سال ۱۳۵۶ ه.ق در درس خارج فقه مرحوم میرزا محمد آقازاده خراسانی - پسر آخوند خراسانی و زعیم وقت حوزه علمیه مشهد - شرکت جست، و سرانجام در سال ۱۳۶۵ ه.ق بخشی از مباحث فقه و یک دوره اصول را به همراه دوره کامل علوم و معارف اعتقادی در محضر عالم فرزانه مرحوم آیت الله میرزا مهدی اصفهانی به پایان برد و در سال ۱۳۶۱ ه.ق از سوی ایشان به دریافت اجازه روایت و

آیت الله محمدباقر ملکی میانجی فقیه و مفسر قرآن و استاد معارف اهل بیت (ع) حدود سال ۱۳۲۴ ه.ق (۱۲۸۵ ه.ش) در قصبه ترک از توابع شهرستان میانه در یک خانواده اصیل و مذهبی دیده به جهان گشود.^۱ خواندن و نوشتن و ادبیات فارسی را در زادگاه خود نزد استادان محلی از جمله ملا محمد و ملاعبادالله آموخت. ادبیات عرب، منطق، فقه (ریاض المسائل) و اصول (قوانین الاصول) را همان جا در محضر عالم بزرگوار مرحوم آیت الله سیدواسع کاظمی ترکی، از شاگردان برجسته و عضو شورای استفتای آخوند خراسانی صاحب (کفایة الاصول) فرا گرفت.

اشتیاق و اهتمام مرحوم ملکی برای علم آموزی و تفقه در دین، وی را واداشت که در سال ۱۳۴۹ ه.ق به مشهد مقدس هجرت می کند. در آن روزگار، حوزه علمیه مشهد افزون بر برکات و فیوضات قدسی حضرت ثامن الحجج (ع) به سبب حضور عالمان و استادان فرزانه





مرحله سوم و مهم‌ترین بخش از حیات علمی مرحوم ملکی را تشکیل می‌دهد و از آنجاست که ایشان با وجود موانع و مشکلات به تحقیق و تألیف و القای دروس خارج فقه و اصول و مباحث تفسیر و کلام اهل بیت (ع) پرداخته و شاگردانی فاضل تربیت می‌کند.

سجایای اخلاقی

آیت‌الله ملکی گذشته از مراتب و جامعیت علمی از مقامات والای معنوی نیز برخوردار بوده و پیش از آن که به اصلاح و تربیت دیگران بپردازد، خود، برای تهذیب نفس و پالایش آن از رذایل اخلاقی کمر همت بسته بود. علم و عمل را توأمان داشته و به یقین از جمله نوادری بود که علم و دانش او بیشتر و فراتر از عمل و کوشش وی نبود. محضری گرم و معنوی داشت. به شخصیت و کرامت انسان‌ها عنایتی ویژه می‌ورزید. شیفته اهل بیت (ع) به خصوص حضرت مهدی (عج) بود. تهجد و شب‌زنده‌داری‌اش حتی در کهولت و ناتوانی جسمی ادامه داشت. با قرآن کریم و صحیفه سجاده‌ی بیش از هر کتاب دیگری انس داشت و شاگردان خود را توصیه می‌کرد که پس از نماز صبح، دست‌کم نیم‌ساعت با توجه ویژه قرآن تلاوت کنند.

به هنگام سکونت در زادگاه، حکومت مذهبی و حل‌وفصل دعاوی اهالی منطقه با ایشان بوده است که با درایت و قاطعیتی خاص به اداره امور پرداخته و با خطاکاران و متخلفان به شدت برخورد می‌کرده است. آیت‌الله ملکی در روزگاری که آذربایجان در اشغال توده‌ای‌ها بود، از موضع مستقل دینی برای حفظ دین و حراست از تمامیت ارضی ایران و جلوگیری از خونریزی و پاسداری از جان و مال افراد، تلاش فراوان کرده، خود و حامیان‌ش پذیرای آزار و اذیت دشمنان و مخالفان بوده‌اند. وی در درس‌ها و نوشته‌های خود، نام بزرگان حتی مخالفان فکری خود را با احترام یاد کرده است.

مبانی فکری

برای آشنایی با شخصیت علمی و مبانی فکری مرحوم آیت‌الله ملکی باید به این نکته عنایت ورزید که او از مدرسان و مؤلفان مکتب معارفی خراسان (مکتب تفکیک) به شمار می‌روند.

اجتهاد و افتاً مفتخر گشت. میرزای اصفهانی در اجازه خود با تعابیری بلند از مرحوم ملکی یاد کرده است. این اجازه به تأیید مرحوم آیت‌الله سیدمحمدحجت کوه‌کمری (به سال ۱۳۷۲ ه.ق) نیز رسیده است.

بازگشت به زادگاه

مرحله دوم از حیات پربار مرحوم ملکی، بازگشت به زادگاه و حضور در آنجاست. ایشان پس از ۱۳ سال تحصیل و تحقیق و تفقه در دین با کوله‌باری از دانش و معرفت دینی، با بارگاه امام رضا (ع) و حوزه علمیه مشهد وداع گفته و به زادگاه خود بازگشت و در آنجا سکنی گزید و با تمام توان به نشر و گسترش معارف اسلامی و برپایی احکام و شعائر دینی و خدمت به محرومان و مستضعفان پرداخت.

مهاجرت به قم

مرحوم ملکی پس از شانزده سال اقامت در زادگاه خود، در اثر فشارها و تهدیدهای برخی خان‌ها و مالکین منطقه، مجبور به مهاجرت به قم می‌شوند. (۱۳۷۸ ه.ق). در آنجا مورد تکریم مرجع عالی‌قدر شیعه، مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی قرار می‌گیرند. اقامت در قم



روش تفسیر اجتهادی، همان روش اجتهاد اصولی است که فقیهان بزرگوار امامیه در طول سده‌های گذشته، با به کارگیری آن به فهم و استنباط احکام اسلامی پرداخته‌اند

مکتب تفکیک به اجمال، به دستگاهی معرفتی اطلاق می‌شود که معتقد به شناخت‌های اصیل و خالص دینی بوده، بر غنا و استقلال تام آیین الهی اسلام در عرضه معارف اعتقادی و عملی (فقه اکبر و فقه اصغر) تأکید می‌ورزد. و خلط و مزج آموزه‌های وحیانی با داده‌های فلسفی و یافته‌های عرفانی را بر نمی‌تابد

مستقیم قرآن است و نیز اوصیای او هستند که میراث‌دار دانش قرآن‌اند.^۵

به موجب این نظرگاه نویسندگان مناهج البیان از یک سو در تفسیر قرآن، نه التزام به سنت را کافی می‌دانست و نه روش قرآن به قرآن را بسنده و تمام. از نظر ایشان کامل‌ترین روش تفسیر قرآن، بهره‌جویی از آیات قرآن، سنت معتبر احکام و اصول عقلی است. این روش تفسیری که با تلاش و اجتهاد مفسر در منابع تفسیر انجام می‌گیرد، "روش تفسیر اجتهادی" نامیده می‌شود، روش تفسیر اجتهادی، همان روش اجتهاد اصولی است که فقیهان بزرگوار امامیه در طول سده‌های گذشته، با به کارگیری آن به فهم و استنباط احکام اسلامی پرداخته‌اند. آیت‌الله ملک‌میانجی معتقد بود که برای دستیابی به معارف اصیل قرآن در حوزه معارف اعتقادی (فقه اکبر) و احکام عملی (فقه اصغر) کاربرد روش اجتهادی ضروری است. هم‌چنان که فقیه فرزانه و اصولی سترگ - شیخ مرتضی انصاری - نیز برای گریز از تفسیر به رأی بر استفاده از قرآن، بر سنت و عقل تأکید ورزیده‌اند.^۶ تنقیح مبانی تفسیری، اجتهاد و تتبع در منابع تفسیر از طرفی، و مجموعه‌نگری و برخورداری از معلومات گسترده دینی از طرف دیگر بایسته‌های روش تفسیر اجتهادی هستند.

درباره شیوه استفاده از منابع باید به این نکته مهم عنایت داشت که دو منبع قرآن و سنت، به دو شکل می‌تواند مورد استفاده مفسر باشد ۱ - استفاده مستقیم؛ ۲ - استفاده غیرمستقیم.

استفاده مستقیم آن است که مفسر در تفسیر یک آیه به آیات دیگر - که به نوعی ناظر به تغییر آن هستند - و نیز احادیث وارد در ذیل آن مراجعه و آیه مورد نظر را تفسیر کند. از جمله کاربردهای مستقیم قرآن، می‌توان به تفسیر لغوی و ادبی، تقیید مطلق، تخصیص عام، تبیین مجمل، تفسیر موضوعی، دفع ظهور آیات متشابه و استخراج حکم یا موضوع اشاره کرد.

بیشترین استفاده مستقیم از سنت (احادیث) ادعیه، خطب و سیره معصومان، از طریق قرآن است و افزون بر نکته‌های یادشده، مواردی را مانند بیان مصداق، بیان مراد و بیان تأویل آیات شامل می‌شود. نقش غیر مستقیم سنت در تفسیر قرآن، در تعیین و تکوین مبانی، بنیان‌ها و

مکتب تفکیک به اجمال، به دستگاهی معرفتی اطلاق می‌شود که معتقد به شناخت‌های اصیل و خالص دینی بوده، بر غنا و استقلال تام آیین الهی اسلام در عرضه معارف اعتقادی و عملی (فقه اکبر و فقه اصغر) تأکید می‌ورزد. و خلط و مزج آموزه‌های وحیانی با داده‌های فلسفی و یافته‌های عرفانی را بر نمی‌تابد.^۷

باری، مرحوم ملک‌مبانی مکتب تفکیک را نزد عالمان و استادان حوزه علمیه مشهد فرا گرفت و در مجموعه درس‌ها و آثار و تحقیقات خود به تبیین مبانی و اندیشه‌های استادان خود پرداخت. یافته‌ها و استنباط‌های خود را عرضه کرد و با دفاع از معارف اصیل دینی، آرا و اندیشه‌های فیلسوفان و عارفان مسلمان را نقد و بررسی کرد.

ایشان درباره خودکفایی و خودبسندگی معارف الهی نوشته‌اند: «این سخن گزاف است که بگوییم فراگیری علوم انبیا به دستیابی راه و روش و تحصیل نظریات دیگران متوقف است؛ زیرا دانش‌های پیامبران، خودکفا، برتر و بالاتر و از نظر برهان روشن‌تر بوده، از علوم بشری کهن و نوین و بحث‌های نظری (فلسفی) و علوم کشفی (عرفانی) بی‌نیاز است».^۸

روش تفسیر آیت‌الله ملک‌مبانی

پیش از پرداختن به روش تفسیری مرحوم ملک‌مبانی، یاد کردی از عامل مهم قرآن‌شناختی ایشان، ضروری است. آیت‌الله ملک‌مبانی بر آن است که در ساحت علوم و معارف قرآن، دو حوزه متمایز از هم وجود دارد. حوزه نخست، "خطاب عام قرآن" نامیده می‌شود که مخاطبان آن عامه مردم‌اند. و همه انسان‌ها اعم از مؤمن و کافر و عارف و عامی می‌توانند و بلکه موظف‌اند که با رجوع به قرآن از معارف آن بهره‌مند شوند. البته مراتب استفاده انسان‌ها از معارف این حوزه یکسان نخواهد بود، و این بخش شامل معارف عقلی و فطری بوده و روش مهم آن تدبیر، تعقل و تذکر است. حوزه دوم که "خطاب خاص قرآن" نامیده می‌شود، ویژه "راسخان در علم" - حضرت رسول (ص) و ائمه هدی (ع) - است و دیگران تنها به واسطه تعلیم و تفاسیر ایشان از معارف این حوزه استفاده می‌کنند. در حقیقت معارف این مقام، تعلیمی و تعبدی و مرجع فهم و تفسیر آن، پیامبر اکرم (ص) که مخاطب



با توجه به جایگاه مبانی فکری و اعتقادی در فرایند تفسیر قرآن، می‌توان به نقش غیرمستقیم کتاب و سنت در تفسیر پی برد

پیش‌فرض‌های تفسیر است. هر مفسری مبانی تفسیری خود را از خاستگاه ویژه‌ای اخذ می‌کند. بدین‌سان درحالی که ممکن است مفسری با پذیرش مبانی فلسفه اسلامی به سراغ تفسیر قرآن برود، مفسر دیگری پای‌بند اصول و مبانی عرفانی باشد و همین‌طور...

خاستگاه مبانی تفسیری مفسر در روش تفسیر اجتهادی، احکام و اصول بدیهی عقلی، محکومات قرآن کریم و مسلمات سنت است. با توجه به جایگاه مبانی فکری و اعتقادی در فرایند تفسیر قرآن، می‌توان به نقش غیرمستقیم کتاب و سنت در تفسیر پی برد.

استفاده غیرمستقیم از قرآن و حدیث در تفسیر به این صورت است که به فرض مفسری درصدد تفسیر آیه شریفه **و ما تشاؤون الا أن يشاء الله** (انسان، ۳۰) است، در این آیه از مشیت خدا و خواست آدمی سخن رفته و پرسش‌هایی از این دست فرا روی مفسر است: مشیت خدا چیست؟ صفت ذات خداست یا صفت فعل؟ نسبت آن با اراده انسان چگونه است؟ آیا اراده مطلق خدا با اراده و اختیار انسان منافات دارد؟ برای این پرسش‌ها، پاسخ‌های مناسبی در متون دینی داده شده است. از این‌رو مفسر با مراجعه به این متون نخست به دیدگاه جامع دینی درباره موضوعات یادشده دست می‌یابد. آن‌گاه با تکیه بر مبانی برگرفته از کتاب و سنت به تفسیر آیه مورد اشاره می‌پردازد. اخذ مبانی از قرآن و حدیث برای تفسیر آیات معارفی و اعتقادی، بسی مهم و اساسی است؛ زیرا براساس مبانی امامیه برای تفسیر آیات احکام به‌طور کلی نمی‌توان منبعی غیر از کتاب و سنت مدنظر داشت. درحالی‌که همواره ممکن است مفسری، خواسته یا ناخواسته مبانی فکری و اعتقادی خود را از منبعی غیر از کتاب و سنت برگرفته و عناصر دینی را با عناصر غیردینی درهم آمیزد. در حقیقت ارزش مناهج‌البیان در آن است که نویسنده دخالت هیچ عنصری را جز منابع دینی (عقل، قرآن و سنت) در شکل‌گیری معارف مبنایی و اعتقادی برنمی‌تابد.

درباره منبع عقل نیز باید گفت که آیت‌الله ملکی در مباحث مقدماتی کتاب توحیدالامیه گفتارهایی را به عقل اختصاص داده و در آنها درباره عقل از نظر قرآن و حدیث، مدرکات عقل، نقش عقل در معرفت‌الله، جایگاه عقل در شناخت پیامبران، عقل در علوم بشری، تعارض دلیل نقلی

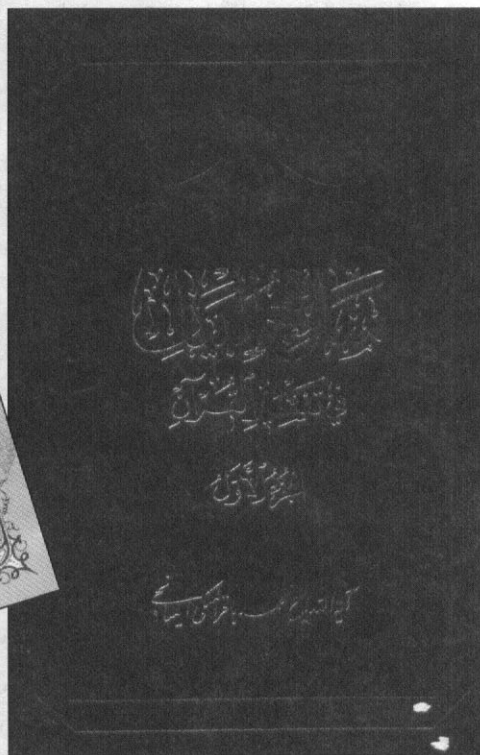
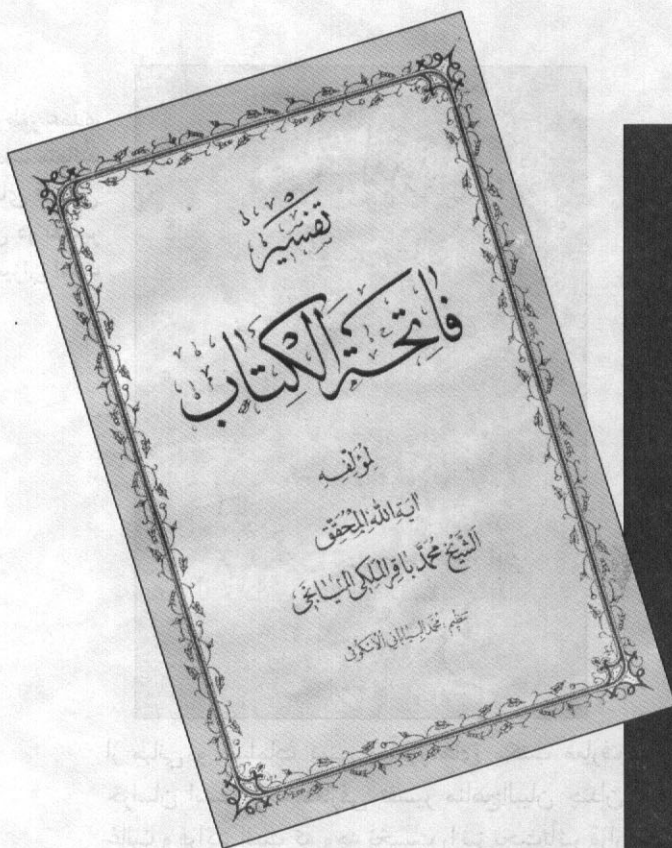
و عقلی و فرق عقل و علم سخن گفته است. از نظر او، عقل، نوری الهی و حجتی خدایی است که به همه انسان‌ها افزوده شده است. عقل از مصونیت ذاتی برخوردار بوده، وقوع خطا نسبت به آن ممتنع است. قوام و حجیت هر دلیلی به عقل است. ملاک تکلیف و ثواب و عقاب نیز عقل است. ایمان به خدا و آنچه به آن مترتب است، تصدیق پیامبران و تشخیص حق و باطل، خیر و شر، هدایت و گمراهی و فضیلت و رذیلت با نور عقل صورت می‌گیرد.^۸

براساس تعریف یادشده، نقش عقل در شناخت‌های اعتقادی بی‌بدیل است؛ چرا که معارف اعتقادی یا جزء مستقلات عقلی است که در این صورت به‌طور مستقل به امر اعتقادی شناخت پیدا می‌کند و سخنان شرع در این موارد برای تأیید و ارشاد به حکم عقل است و یا جزء شناخت‌های فطری است که در این موارد، معرفت فطری با معرفت عقلی همسو بوده و در حقیقت مؤدای شناخت فطری و حکم عقلی، امری واحد است.^۹ تنها در آن بخش از معارف اعتقادی که جزء مستقلات عقلی و مسائل فطری نبوده و در رده مسائل تعبدی است، ادله نقلی حاکم است. البته از نظر نویسنده "مناهج‌البیان" به دلیل آن‌که پذیرش نقل مبتنی بر دلیل عقلی است، پذیرش معارف تعبدی، امری عقلانی است؛^{۱۰} از موارد این بخش می‌توان به جزئیات معارف اعتقادی مانند: اسما و صفات الهی، حقیقت عرش و کرسی و تفصیل معاد و عالم آخرت اشاره کرد.

از نظر مرحوم ملکی، شالوده و بن‌مایه اخلاق، احکام فطری و مستقلات عقلی است.^{۱۱} از سوی دیگر ایشان دامنه مستقلات عقلی را بسی فراخ می‌گیرند و مواردی مانند ضرورت ایمان به خدا پس از تذکر به معرفت فطری^{۱۲}، توبه و بازگشت از گناه^{۱۳}، نیکی به پدر و مادر^{۱۴}، قبح تحقیر و اهانت به مؤمن فقیر^{۱۵}، حرمت شراب‌خواری^{۱۶}، حرمت کتمان حمل از سوی زوجه مطلقه^{۱۷} و... را در زمره مستقلات عقلی می‌دانند.

درباره نقش عقل در استنباط احکام فقهی نیز مبنای آیت‌الله ملکی همان مبنای فقیهیان اصولی است که در منابع اصول فقه مطرح شده است. وی درباره تعارض میان دلیل عقلی و دلیل نقلی نیز با تقسیم عقل به عقل فطری و عقل اصطلاحی (فلسفی) را مباحث مفیدی را





پیش کشیده که به دلیل اختصار، از آنها صرف‌نظر می‌کنیم.

رویکرد تفسیری مناهج‌البيان

مراد از اتجاه یا رویکرد تفسیری آن است که گاه یک مفسر با عنایت به ذوق، علاقه، نگرش، مبانی و معلوماتی که دارد و باتوجه به نیازها و ضرورت‌هایی که احساس می‌کند، در مقام تفسیر قرآن، جهت‌گیری‌های خاصی می‌کند که نشانگر رویکرد تفسیری اوست. لازمه رویکرد تفسیری، آن است که مفسر به برخی آیات، موضوع‌ها و مفاهیم قرآن، حساسیت و عنایت ویژه‌ای می‌ورزد. در تفسیر این آیات درنگ می‌کند و به ابعاد و جنبه‌های مختلف تفسیری آنها می‌پردازد و تفاسیر موضوعی خود را در راستای این مفاهیم سامان می‌دهد.

با توجه به این مقدمه، هرگاه بخواهیم رویکرد تفسیری آیت‌الله ملک‌ی را در تفسیر "مناهج‌البيان" مشخص کنیم، به نظر می‌رسد با توجه به شخصیت، مبانی علمی و دغدغه‌های فکری مفسر، می‌توان رویکرد

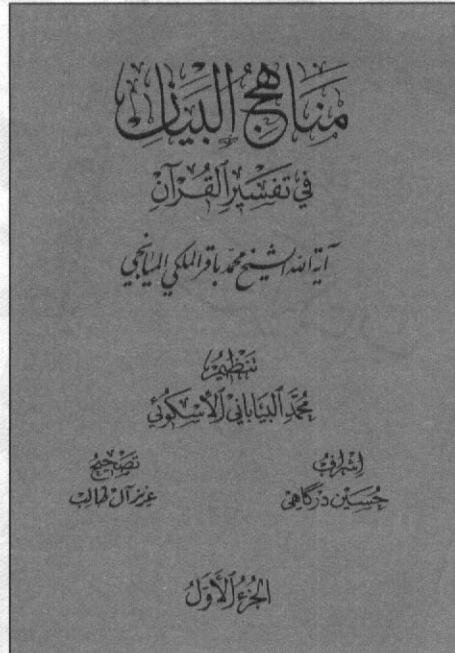
تفسیری او را اتجاه کلامی (معارفی) - فقهی دانست. با نگاهی اجمالی به متن مناهج‌البيان در می‌یابیم که دو وجه معارفی (در بعد اعتقادی و اخلاقی) و فقهی آن از وجوه دیگر بارزتر و پررنگ‌تر است. به‌طور خلاصه، حاصل رویکرد تفسیری او را می‌توان به موارد زیر دسته‌بندی کرد:

۱ - بخش قابل‌توجهی از تلاش‌های آیت‌الله ملک‌ی در راستای تبیین و دفاع از اصول اعتقادی و مبانی پذیرفته شده مکتب تشیع است. مفسر با حساسیت ویژه‌ای از موضع متکلمی قوی به این امر اهتمام ورزیده و در مسائلی مانند امامت^۱، شفاعت^۲، عصمت پیامبران در تلقی وحی^۳، جبر و تفویض^۴، شأن نزول سوره هلی آتی^۵ و آیه مباهله^۶، ضمن تأکید بر مواضع فقهیان و متکلمان امامیه، آرا و دیدگاه‌های مخالفان را به‌بوته نقد گذاشته است. لیه تیز نقدها بیشتر متوجه سخنان زمخشری، فخررازی و نویسنده "المنار" است.

۲ - دومین و شاید مهم‌ترین وجه همت این مفسر در حوزه مسائل کلامی و اعتقادی، تبیین، عرضه و دفاع



این نقدها به طور عمده، متوجه مبانی حکمت متعالیه و رهیافت‌های فلسفی علامه طباطبایی در تفسیر المیزان است



از مبانی و مسلمات دینی و آموزه‌های مکتب معارف خراسان است. وجه معارفی تفسیر مناهج‌البیان چندان غالب و فراگیر است که وجه نخست را نیز تحت‌تأثیر قرار داده است. بدین معنا که آرا و مواضع مرسوم کلامی، در بیان و تقریر ایشان، صبغه‌ای معارفی یافته است.

بدین‌سان آیت‌الله ملکی در موضوعات مهم کلامی و اعتقادی مانند خداشناسی، اسما و صفات باری تعالی، معاد جسمانی، تجسم اعمال، عوالم پیشین، ماهیت انسان، لقاءالله و... جهت‌گیری‌های تفکیکی داشته و غلبه مبانی و آموزه‌های مکتب معارف خراسان در این بخش هویداست. عرضه مبانی معارفی با نقد و بررسی آرا و اندیشه‌های فلسفی و عرفانی همراه است. این نقدها به‌طور عمده، متوجه مبانی حکمت متعالیه و رهیافت‌های فلسفی علامه طباطبایی در تفسیر المیزان است. موارد قابل‌ذکر از زمره این نقدها عبارت‌اند از: دیدگاه فلسفی درباره معنای مبدا و معید^{۲۵} (از اسمای الهی)، دیدگاه غزالی، ملاصدرا و علامه طباطبایی درباره معنای محبت^{۲۶}، دیدگاه ملاصدرا درباره مفهوم رجوع الی‌الله^{۲۷}، عدمی‌بودن شرور^{۲۸} و معاد تجسمی حکمت متعالیه^{۲۹}.

۳- آیت‌الله ملکی که از یک‌سو فقهی اصولی است و از سوی دیگر در باب آیات احکام قرآن، تفسیر بدایع‌الکلام را نگاشته است، در تفسیر مناهج‌البیان به مسائل و موضوعات فقهی اهتمام داشته و در این عرصه

نیز به صورتی ژرف و گسترده‌تر بحث و تفسیر می‌کند. احادیث فقهی را مطرح و اقوال فقیهان و مفسران بزرگ را بررسی می‌کند. از روش‌هایی اصولی بهره می‌جوید. بدین‌سبب اصطلاحات اصولی مانند عام، خاص تخصیص و تنقید در تفسیر ایشان چشمگیر بوده و درخور ذکر است که اصحاب مکتب تفکیک آموزه‌های ویژه‌ای در باب برخی مسائل اصولی دارند که از آن جمله می‌توان به وضع الفاظ برای حقایق خارجی نه به ازای صور و مفاهیم ذهنی، حمل واژگان متون دینی به معانی لغوی و عرفی و عدم ثبوت حقیقت شرعی و متشرعه و ضرورت پرهیز از خلط معانی لغوی با معانی اصطلاحی و مستحدث، اشاره کرد که مرحوم ملکی نیز به این آموزه‌ها پای‌بند است. برخی از تفاسیر موضوعی ایشان نیز به موضوعات فقهی اختصاص یافته که از آن جمله است، مباحث وجوب حج و شرط استطاعت در آن^{۳۰}، ازدواج و نشانه‌های بلوغ^{۳۱}، معنای صلات^{۳۲}، فرع فقهی درباره کفاره روزه^{۳۳}، آیا سجده برای غیر خدای تعالی جایز است^{۳۴}؟ و....

با توجه به این‌که گفتنی‌ها درباره مبانی و روش تفسیری مرحوم آیت‌الله ملکی بیش از اینهاست، به همین اندازه بسنده کرده و آثار علمی ایشان را که غالباً تفسیری است - معرفی می‌کنیم.

الف - آثار چاپی

۱. توحیدالامامیه، این کتاب شامل مبانی و دیدگاه‌های مؤلف فقید درباره موضوع خداشناسی و مسائل مربوط به آن است و می‌توان آن را نوعی تفسیر موضوعی قرآن کریم دانست. این کتاب با تنظیم محمد بیابانی اسکویی و اهتمام علی ملکی‌میانجی (در سال ۱۳۷۳ش) از سوی مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ و منتشر شده است. ترجمه فارسی کتاب نیز به قلم محمد بیابانی اسکویی و سیدبهلول سجادی از سوی نشر نیا منتشر شده است.
۲. مناهج‌البیان فی تفسیرالقرآن، مهم‌ترین اثر تفسیری مرحوم ملکی است که شامل تفسیر ترتیبی شش جزء از قرآن کریم، چهار جزء از ابتدا و دو جزء از انتهای قرآن است. ناشر این کتاب نیز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.



۳. تفسیر فاتحه‌الکتاب تفسیری است کلامی - فقهی بر سوره مبارکه حمد که با تنظیم محمد بیابانی اسکویی و از سوی انتشارات دارالقرآن‌الکریم قم در سال ۱۴۱۳ ق منتشر شده است.

۴. بدایع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام، شامل مباحث طهارت و صلات است که نویسنده به مناسبت، بحث‌های موضوعی امامت و شفاعت را نیز در آن گنجانده است. این کتاب، نخستین اثر منتشره آیت‌الله ملکی است که یک‌بار، در سال ۱۴۰۰ ه.ق. در لبنان و دیگر بار، در سال ۱۴۰۲ ه.ق. در ایران چاپ شده است.

۵. نگاهی به علوم قرآنی، ترجمه و تحریر مباحث مقدماتی تفسیر مناهج البیان است که در ابتدای جزء اول تفسیر آمده است. کتاب با ترجمه نویسنده این سطور و همکاری علی ملکی از سوی نشر خرم قم چاپ و منتشر شده است.

ب - آثار مخلوط، مرحوم ملکی آثار منتشر نشده‌ای نیز دارند که عبارت‌اند از: ۱ - الرشد فی المعاد؛ ۲ - دوره کامل تقریرات اصول مرحوم میرزا مهدی اصفهانی؛ ۳ - رساله‌ای در حبوط و تکفیر؛ ۴ - رساله‌ای در خمس؛ ۵ - رساله‌ای در احکام میت.

□

پی‌نوشت:

۱ - شرح حال آیت‌الله ملکی میانجی در منابع زیر آمده است: ۱. مقدمه توحیدالامامیه به قلم فرزند مؤلف علی ملکی ۲. مکتب تفکیک به خامه استاد محمدرضا حکیمی؛ ۳. یادنامه اولین سالگرد درگذشت آیت‌الله ملکی نوشته عبدالرحیم اباذری؛ ۴. طبقات مفسران شیعه نوشته عقیقی بخشایشی؛ که در نوشتار حاضر از منبع نخست، استفاده فراوان برده‌ایم.

۲ - آیت‌الله ملکی - به‌سان استادان خویش - نسبت به وجود مقدس ولی زمان حضرت مهدی (عج) توجهی ویژه داشت و همواره به ساحت قدسی آن سرچشمه جوشان معارف قرآن، توسل و تقرب می‌جست. در یادنامه مرحوم ملکی، داستان تشرف ایشان به حضور ولی عصر (عج) در مکه مکرمه و عطوفت و مهربانی آن حضرت با ایشان آمده است.

۳ - برای مطالعه درباره مبانی مکتب تفکیک به کتاب مکتب تفکیک استاد محمدرضا حکیمی مراجعه

فرمایید.

- ۴ - توحیدالامامیه، ص ۱۳.
- ۵ - ر.ک: نگاهی به علوم قرآنی، ص ۲۸.
- ۶ - مناهج‌البیان، جزء ۱، ص ۱۵: نگاهی به علوم قرآنی، ص ۸۹.
- ۷ - فرائدالاصول، چاپ جامعه مدرسین، ج ۱، ص ۱۵۹.
- ۸ - ر.ک: توحیدالامامیه، ص ۲۱.
- ۹ - برای مثال، خداشناسی که امری فطری است، درعین حال موضوعی کاملاً عقلی است.
- ۱۰ - توحیدالامامیه، ص ۴۴.
- ۱۱ - مناهج‌البیان، جزء ۳۰، صص ۱۵۳ و ۱۵۴.
- ۱۲ - همان، ص ۱۵۳.
- ۱۳ - همان، جزء ۲، ص ۲۲۹.
- ۱۴ - همان، جزء ۱، ص ۲۷۲.
- ۱۵ - همان، جزء ۳۰، ص ۱۵۷.
- ۱۶ - همان، جزء ۲، ص ۲۰۶.
- ۱۷ - همان، ص ۲۴۵ و ر.ک: توحیدالامامیه، ص ۲۸ و ۲۹.
- ۱۸ - ر.ک: توحیدالامامیه، ص ۳۹ به بعد.
- ۱۹ - مناهج‌البیان، جزء ۱، ص ۳۳۸.
- ۲۰ - همان، ص ۲۲۵.
- ۲۱ - همان، جزء ۲۹، ذیل سوره قیامت، جزء ۳۰، بحث موضوعی روح در قرآن.
- ۲۲ - همان، ذیل آیه ۳۰، سوره انسان.
- ۲۳ - همان.
- ۲۴ - همان، جزء ۳، ص ۲۲۶.
- ۲۵ - همان، جزء ۳۰، ص ۳۴۴.
- ۲۶ - همان، جزء ۳، بحث موضوعی معنای محبت.
- ۲۷ - همان، ص ۱۳۰ به بعد.
- ۲۸ - همان، ص ۱۸۷ و ۶۷.
- ۲۹ - همان، جزء ۱، ص ۱۸۰ و ۲۵۵؛ جزء ۴، صص ۷۳ و ۷۴.
- ۳۰ - همان، جزء ۴، ص ۱۵.
- ۳۱ - همان، ص ۲۷۴.
- ۳۲ - همان، جزء ۲، ص ۴۶.
- ۳۳ - همان، ص ۱۱۳.
- ۳۴ - همان، جزء ۱، ص ۲۰۰.

